

اردوگاه روزانه برای دایان، بعد از رسیدن خواهرش به پناهگاهی بلکه بزرگتر تبدیل شد. او قبل از سپیده دم، در حالی که نونل هنوز در خواب بود، می رفت. يك قوری قهوه برای او دم کرده بود، و يك بشقاب بیسکوییت داغ روی میز گذاشته بود. او به سمت غرب و به سوی اردوگاه حرکت می ك رد، جایی که او و الما دروازه را باز کردند و تارهای عنكبوت را بر هم زدند و پرچمی را که با سیم آویزان شده بود به پایین کشیدند. روی آن PA & WS

FRIENS، عکس بادکنک های رنگی و سگ های کارتونی که در يك مزرعه می دویدند، دیده می شد. این اردوگاه تقریباً دو هکتار بود، و به يك من طفه برای سگ های بزرگ و پرسر و صدا و يك منطقه برای سگ های كوچك و ترسو که ترجیح می دادند به جای چرخیدن، علف ها را بویند و پنجه های خود را لیس بزنند، تبدیل شده بود. هر طرف دارای يك استخر بچه گانه برای آب بازی، يك سرسره ی پلاستیکی، نونل بازی، و طناب ها بی برای مسابقه طناب کشتی بود. در سکوت صبحگاهی الما و دایان دفتر را تمیز می کردند، يك آلونکی چوبی که آن را با قفسه ها و خط تلفن تغییر د اده بودند.